

درس 67

* در باغ جتسیمانی، عیسی در حالی که به شدت ناراحت بود شروع به دعا کرد. چرا عیسی به شدت ناراحت بود؟
- زیرا عیسی می‌دانست که رنجی که پیش روی او بود، وحشتناکتر از هر چیزی بود که تا به حال متحمل شده بود.

* چه کسی جمعیت مردان مسلح به شمشیر و چماق را برای دستگیری عیسی رهبری می‌کرد؟
- یهودا.

* چه کسی یهودا را برای دستگیری عیسی رهبری کرد؟
- شیطان.

* شیطان این روزها رهبری کیست؟
- همه افرادی که از ایمان آوردن به عیسی به عنوان نجات دهنده امتناع می‌ورزند توسط شیطان هدایت می‌شوند.

* چرا همه شاگردان عیسی فرار کردند؟
- شاگردان ترسیدند و نفهمیدند که چرا عیسی را دستگیر کردند.

* شاگردان چه چیزی را نفهمیدند؟
- شاگردان نفهمیدند که اگر عیسی دستگیر و کشته شود چگونه می‌تواند ناجی باشد.

* مردانی که عیسی را دستگیر کردند او را به کجا بردند؟
- مردان عیسی را نزد کاهن اعظم بردند.

* چرا رهبران یهود نتوانستند مشکلی در مورد عیسی پیدا کنند؟
- چون عیسی هیچ اشتباهی نکرده بود.
- چون عیسی گناه نکرده بود.

* وقتی کاهن اعظم با عیسی صحبت کرد و از او پرسید که آیا او مسیح، پسر خداست، عیسی چه پاسخی داد؟
- عیسی پاسخ داد و گفت: من هستم. و پسر انسان را خواهید دید که در دست راست مقتدر نشسته و بر ابرهای آسمان می آید.

* چرا کاهن اعظم گفت که عیسی باید کشته شود؟
- کاهن اعظم گفت که عیسی خدا را نفرین کرده است.

* آیا عیسی خدا را نفرین کرد؟
- خیر .
- پس از آنکه کاهن اعظم و رهبران یهود عیسی را به مرگ محکوم کردند، او را نزد پیلاتس بردند.

بیابید مرقس 1:14 را بخوانیم :

1- بامدادان، بی‌درنگ، سران کاهنان همراه با مشایخ و علمای دین و تمامی اعضای شورای یهود به مشورت نشستند و عیسی را دست بسته بردند و به پیلاتس تحویل دادند.

* پیلاتس کی بود؟
- پیلاتس رئیس یهودیه بود که توسط سزار، پادشاه روم منصوب شده بود.

- برای اینکه یهودیان عیسی را بکشند، باید از پیلاتس اجازه می گرفتند.
- وقتی عیسی را به حضور پیلاتس آوردند، پیلاتس از عیسی سوالی پرسید.

مرقس 2:15 را بخوانیم :

2- پیلاتس از او پرسید: آیا تو پادشاه یهودی؟ عیسی پاسخ داد: تو خود چنین می‌گویی!

* چرا عیسی گفت که او پادشاه یهودیان است؟

- زیرا عیسی از نسل داوود پادشاه بود.

بیابید مرقس 15: 3-5 را بخوانیم :

3- سران کاهنان اتهامات بسیار بر او می‌زدند.

4- پس پیلاتس باز از او پرسید: آیا هیچ پاسخی نداری؟ ببین چقدر بر تو اتهام می‌زنند!

5- ولی عیسی باز هیچ پاسخ نداد، چندان که پیلاتس در شگفت شد.

- با وجود اینکه مردم عیسی را به دروغ متهم کردند، عیسی سکوت کرد و پاسخی نداد.

- همانطور که خداوند سالها پیش از طریق انبیا گفته بود، منجی سکوت خواهد کرد وقتی به دروغ متهم می‌شود.

- در عید پسخ، رسم پیلاتس این بود که یک زندانی را به دست یهودیان آزاد کند.

- بنابراین پیلاتس از یهودیان پرسید که آیا می‌خواهند او عیسی را آزاد کند؟

بیابید مرقس 15: 6-11 را بخوانیم :

6- پیلاتس را رسم بر این بود که هنگام عید، یک زندانی را به تقاضای مردم آزاد کند.

7- در میان شورشیانی که به جرم قتل در یک بلوا به زندان افتاده بودند، مردی بود باراباس نام.

8- مردم نزد پیلاتس آمدند و از او خواستند که رسم معمول را برایشان به جای آورد.

9- پیلاتس از آنها پرسید: «آیا می‌خواهید پادشاه یهود را برایتان آزاد کنم؟»

10- این را از آن رو گفت که دریافته بود سران کاهنان عیسی را از سر رشک به او تسلیم کرده‌اند.

11- اما سران کاهنان جمعیت را برانگیختند تا از پیلاتس بخواهند به جای عیسی، باراباس را برایشان آزاد کند.

- پیلاتس می‌دانست که عیسی هیچ اشتباهی مرتکب نشده است.

- پیلاتس می‌دانست که رهبران یهود عیسی را دستگیر کرده اند زیرا به او حسادت می‌کردند.

- بنابراین، پیلطس امیدوار بود که یهودیان عیسی را آزاد کنند.
- در عوض، کاهن اعظم جمعیت را برانگیخت تا پیلطس به جای عیسی، باراباس را که یک قاتل بود آزاد کند.
- سپس پیلطس از یهودیان سؤال کرد.

بیایید مرقس 15:12-14 را بخوانیم :

- 12- آنگاه پیلطس بار دیگر از آنها پرسید: پس با مردی که شما او را پادشاه یهود می‌خوانید، چه کنم؟
- 13- دیگر بار فریاد برآوردند که: بر صلیبش کن!
- 14- پیلطس از آنها پرسید: چرا؟ چه بدی کرده است؟ اما آنها بلندتر فریاد زدند: بر صلیبش کن!
- با وجود اینکه عیسی هیچ اشتباهی نکرده بود، جمعیت از عیسی متنفر بودند و می‌خواستند عیسی به صلیب کشیده شود.
- همانطور که خداوند سالها پیش از طریق انبیا گفت، منجی بی دلیل مورد نفرت قرار خواهد گرفت.
- جمعیت می‌خواستند عیسی را مصلوب کنند.

* مصلوب شدن چیست؟

- این است که دست و پای کسی را به صلیب می‌خکوب کنند و روی صلیب بگذارند تا بمیرد.
- مصلوب شدن بدترین شکل مرگ است که رومیان برای کشتن بدترین نوع جنایتکاران از آن استفاده می‌کردند.
- سپس پیلطس دستور داد که عیسی را شلاق بزنند.

بیایید مرقس 15:15 را بخوانیم

- 15- پس پیلطس که می‌خواست مردم را خشنود سازد، باراباس را برایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده، سپرد تا بر صلیبش کشند.
- وقتی رومیان شخصی را شلاق می‌زدند، از شلاقی استفاده می‌کردند که مژه‌های زیادی با قطعات فلز تیز و استخوان به مژه‌ها بسته می‌شد.
- وقتی رومی‌ها به شخصی شلاق می‌زدند، پشت او آنقدر بریده می‌شد که

اغلب می‌مرد.

- پس از شلاق زدن عیسی، سربازان او را مسخره کردند.

مرقس 16:15-20 را بخوانیم:

16- آنگاه سربازان، عیسی را به صحن کاخ، یعنی کاخ والی، بردند و همه گروه سربازان را نیز گرد هم فرا خواندند.

17- سپس خرقه‌ای ارغوانی بر او پوشانیدند و تاجی از خار بافتند و بر سرش نهادند.

18- آنگاه شروع به تعظیم کرده، می‌گفتند: درود بر پادشاه یهود!

19- و با چوب بر سرش می‌زدند و آب دهان بر او انداخته، در برابرش زانو می‌زدند و ادای احترام می‌کردند.

20- پس از آنکه استهزایش کردند، خرقه ارغوانی را از تنش به در آورده، جامه خودش را بر او پوشانیدند. سپس وی را بیرون بردند تا بر صلیبش کشند.

- سربازان عیسی را کتک زدند و روی او تف کردند.

- همانطور که خداوند سالها پیش از طریق انبیا گفته بود، منجی کتک می‌خورد و بر او تف می‌ریخت.

- از آنجا که مردم با زانو زدن در برابر پادشاهان به آنها احترام می‌گذاشتند، سربازان عیسی را با زانو زدن در برابر او مسخره کردند.

- از آنجا که پادشاهان لباس ارغوانی می‌پوشیدند، سربازان عیسی را با پوشیدن لباس ارغوانی به او مسخره کردند.

- از آنجا که پادشاهان نیز تاج‌هایی از طلا بر سر می‌گذاشتند، سربازان عیسی را با گذاشتن تاجی از خار بر سر او مسخره کردند.

- همانطور که خداوند سالها پیش از طریق انبیا گفت، نجات دهنده مورد تمسخر قرار می‌گیرد.

* تاج خار نشانه چه بود؟

- تاج خار نشانه لعنت خدا بود.

- وقتی آدم و حوا گناه کردند، خدا زمین را نفرین کرد و گفت خارها رشد خواهند کرد.

* وقتی سربازان تاج خار را بر سر عیسی گذاشتند، این نشانه چه بود؟
- نشانه ای که نشان می دهد عیسی لعنت خدا را خواهد برد.

بیابید مرقس 21:15-22 را بخوانیم:

21- آنها رهگذری شمعون نام از مردم قیروان را که پدر اسکندر و رؤس بود و از مزارع می آمد، واداشتند تا صلیب عیسی را حمل کند.

22- پس عیسی را به مکانی بردند به نام جُلُتَا، که به معنی مکان جمجمه است.

- سپس سربازان عیسی را به تپه ای به نام جُلُتَا در خارج از اورشلیم بردند تا او را مصلوب کنند.

- روی تپه، سربازان صلیب را روی زمین گذاشتند و سپس عیسی را بر بالای صلیب گذاشتند.

- سپس سربازان دستان عیسی را به بالای صلیب و پاهای او را با میخ به پایین صلیب میخکوب کردند.

- درست همانطور که خداوند سالها پیش از طریق پیامبران گفته بود، دست و پای ناجی سوراخ خواهد شد.

- وقتی سربازان کار را تمام کردند، صلیب را در حالی که عیسی روی آن میخکوب شده بود، به حالت عمودی بلند کردند.

* آیا به یاد دارید که عیسی به نيقوديموس چه گفت؟

- عیسی گفت همانطور که موسی مار را بر روی تیری بلند کرد تا مردم نجات یابند، ناجی نیز بلند خواهد شد تا مردم نجات یابند.

مرقس 23:15-24 را بخوانیم:

23- آنگاه به او شراب آمیخته به مُر دادند، اما نپذیرفت.

24- سپس بر صلیبش کشیدند و جامه هایش را بین خود تقسیم کرده، برای تعیین سهم هر یک قرعه انداختند.

- برخی از زنان شراب مخلوط با مر را به عیسی تعارف کردند تا درد را از بین ببرند، اما عیسی نپذیرفت.

- سربازانی که عیسی را به صلیب میخکوب کرده بودند، قرعه انداختند تا لباس عیسی را برای آنها تقسیم کنند.
- همانطور که خدا سالها پیش از طریق پیامبران گفت، آنها برای لباس منجی قرعه می اندازند.

#بیباید مرقس 15:25-27 را بخوانیم:

- 25- ساعت سوم از روز بود که او را بر صلیب کردند.
- 26- بر تقصیرنامه او نوشته شد: پادشاه یهود.
- 27- دو راهزن را نیز با وی بر صلیب کشیدند، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ او.
- دو مرد دیگر با عیسی مصلوب شدند، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ او.
- آدم های بدی بودند.
- همانطور که خداوند سالها پیش از طریق انبیا گفت، ناجی با مردان شرور خواهد مرد.

مرقس 15:29-32 را بخوانیم:

- 29- رهگذران سرهای خود را تکان داده، ناسزاگوین می گفتند: ای تو که میخواستی معبد را ویران کنی و سه روزه آن را بازسازی،
- 30- خود را نجات ده و از صلیب فرود آ!
- 31- سران کاهنان و علمای دین نیز در میان خود استهزایش می کردند و می گفتند: دیگران را نجات داد اما خود را نمی تواند نجات دهد!
- 32- بگذار مسیح، پادشاه اسرائیل، اکنون از صلیب فرود آید تا ببینیم ایمان بیاوریم. آن دو تن که با او بر صلیب شده بودند نیز به او اهانت می کردند.
- عیسی گفته بود که اگر یهودیان معبد را ویران کنند، عیسی آن را تا سه روز دیگر برپا خواهد کرد.

* آیا عیسی درباره معبد سنگی که یهودیان در اورشلیم ساخته بودند صحبت می کرد؟
- خیر .

* عیسی درباره کدام معبد صحبت می کرد؟

- عیسی درباره بدن خود صحبت می کرد.
- عیسی می گفت حتی اگر یهودیان او را با مصلوب کردنش نابود کنند، در سه روز زنده خواهد شد.

بیابید مرقس 33:15 را بخوانیم:

33- از ساعت ششم تا نهم، تاریکی تمامی آن سرزمین را فرا گرفت.

* چرا سه ساعت تمام زمین تاریک بود؟

- سه ساعت تاریکی نشانه بود.

* نشانه سه ساعت تاریکی بر تمام زمین چه بود؟

- خدای پدر داشت عیسی را روی صلیب رها می کرد.

بیابید مرقس 34:15 را بخوانیم

34- در ساعت نهم، عیسی با صدای بلند فریاد برآورد: ای خدای من، چرا

مرا واگذاشتی؟

- وقتی خدای پدر عیسی را بر روی صلیب رها کرد، عیسی فریاد زد.

* چرا خدای پدر عیسی را رها کرد؟

* آیا عیسی تا به حال کار اشتباهی انجام داده است؟

- خیر.

* پس چرا خدای پدر عیسی را رها کرد؟

- خدای پدر داشت عیسی را به خاطر گناهان تو، گناهان من و گناهان همه

مردم مجازات می کرد.

- از آنجا که خدای پدر عیسی را به خاطر گناهان ما مجازات می کرد،

خدای پدر عیسی را بر روی صلیب رها کرد.

* در باغ عدن، خدا گفت اگر آدم و حوا از میوه ای که خدا به آنها دستور

داده بود بخورند چه اتفاقی می افتد؟

- خواهند مرد.

- چون آدم و حوا گناه کردند، با جدا شدن از خدا مردند.

- اکنون، عیسی از خدای پدر جدا شده بود.

مرقس 15:35-36 را بخوانیم :

35- برخی از حاضران چون این را شنیدند، گفتند: گوش دهید، ایلیا را می خواند.

36- پس شخصی پیش دوید و اسفنجی را از شراب ترشیده پر کرد و بر سر چوبی نهاده، پیش دهان عیسی برد تا بنوشد، و گفت: او را به حال خود واگذارید تا ببینیم آیا ایلیا می آید او را از صلیب پایین آورد؟

- مردمی که مرگ عیسی را بر روی صلیب تماشا می کردند، فکر می کردند که عیسی الیاس را صدا می کند.

- عیسی ایلیا را صدا نمی زد.

- عیسی به سوی خدای پدر فریاد می زد.

* چرا عیسی نزد خدای پدر فریاد می زد؟

- زیرا خدای پدر عیسی را رها کرد و این مجازات وحشتناکی بود.

* خدای پدر و عیسی چه مدت با هم بودند؟

- برای همیشه.

* آیا زمانی بوده که خدای پدر و عیسی با هم نبوده باشند؟

- خیر .

- چون این اولین و تنها باری بود که خدای پدر و عیسی با هم نبودند، عیسی فریاد زد.

- جدا شدن از خدای پدر وحشتناک ترین مجازات در جهان است.

بیابید مرقس 37:15 را بخوانیم :
37- پس عیسی به بانگ بلند فریادی برآورد و دمِ آخر برکشید.
- عیسی روی صلیب مرد.

* پس از مرگ عیسی، در معبد چه اتفاقی افتاد؟
بیابید مرقس 38:15 را بخوانیم:
38- آنگاه پردهٔ معبد از بالا تا پایین دو پاره شد.

* پرده در معبد چه کرد؟
- پرده دو اتاق معبد را از هم جدا می کرد.
- پرده اتاق مقدس را از اتاق اقدس جدا می کرد.

* پرده نشانه چه بود؟
- پرده نشانه جدایی خدا و انسان بود.

* چرا خدا و انسان از هم جدا شدند؟
- به خاطر گناه ما.
- به خاطر گناه ما، خدا و انسان از هم جدا شدند و هیچ کس جز کاهن اعظم فقط یک بار در سال نمی توانست وارد اتاق اقدس شود.

* چه کسی پرده را از بالا به پایین دو نیم کرد؟
- خداوند.

* چرا خدا پرده را دو نیم کرد؟
- خداوند پرده را دو نیم کرد تا نشان دهد که دیگر جدایی بین خدا و انسان وجود ندارد.

بیابید مرقس 39:15 را بخوانیم:
39- چون فرماندهٔ سربازان که در برابر عیسی ایستاده بود، دید او چگونه جان سپرد، گفت: براستی این مرد پسر خدا بود.

- وقتی فرمانده ، که رئیس صد سرباز بود، مرگ عیسی را دید، فهمید که عیسی خدای نجات دهنده است.

بیابید مرقس 15:40-41 را بخوانیم:

40- شماری از زنان نیز از دور نظاره می‌کردند. در میان آنان مریم مَجْدَلِیَّه، مریم مادر یعقوب کوچک و یوشا، و سالومه بودند.

41- این زنان هنگامی که عیسی در جلیل بود، او را پیروی و خدمت می‌کردند. بسیاری از زنان دیگر نیز که همراه او به اورشلیم آمده بودند، در آنجا بودند.

- این زنان زنانی بودند که به خدا ایمان آورده بودند و می دانستند که عیسی خدای نجات دهنده است.

مرقس 15:42-46 را بخوانیم :

42- آن روز، روز 'تهیه'، یعنی روز پیش از شَبّات بود. پس هنگام غروب
43- یوسف نامی از مردم رامّه، که عضوی محترم از شورای یهود بود و انتظار پادشاهی خدا را می‌کشید، شجاعانه نزد پیلاتس رفت و جسد عیسی را طلب کرد.

44- پیلاتس که باور نمی‌کرد عیسی بدین زودی درگذشته باشد، فرماندهٔ سربازان را فرا خواند تا ببیند عیسی جان سپرده است یا نه.

45- چون از او دریافت که چنین است، جسد عیسی را به یوسف سپرد.

46- یوسف نیز پارچه‌ای کتانی خرید و جسد را از صلیب پایین آورده، در کتان پیچید و در مقبره‌ای که در صخره تراشیده شده بود، نهاد. سپس سنگی جلوی دهانهٔ مقبره غلتانید.

- یوسف اهل آریماته مردی ثروتمند بود که معتقد بود عیسی خدای ناجی است.

- پس از مرگ عیسی، یوسف نزد پیلاتس رفت و خواست جسد عیسی را دفن کند.

- سپس یوسف جسد عیسی را گرفت و در قبر او دفن کرد.

- همانطور که خداوند سالها پیش از طریق انبیا گفته بود، منجی با

ثروتمندان به خاک سپرده شد.